



محترم محمد عالم افتخار

## چرا؛ همه سخنرانی بایدن؛ "چیزی جز چرندیات نبود"؟

این استنتاج و حکم متعلق به پیتر برگن، تحلیل‌گر امنیت ملی (ایستگاه تلویزیون بسیار معروف) سی‌ان‌ان و نویسنده کتاب «ظهور و سقوط اسامه بن لادن» است که کمینه؛ ترجمه فارسی آنرا در روزنامه 8 صبح خواندم و جهت پیشکش به حضور هموطنان برداشتم.

به نظرم؛ نقد پیتر برگن بر سخنرانی پسین جو بایدن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا؛ پیرامون «بررسی روند خروج نظامیان امریکا (و متحدان ناتویی آن) از افغانستان» یک جامعیت نسبی و صراحت لهجه ویژه دارد و الا به لحاظ محتوایی؛ خیلی از ناظران و مبصران دیگر هم در مورد؛ ارزیابی های مماثل و مشابه بیرون داده اند.

رویه‌مرفته مندرجات این سخنرانی؛ چندان کسی را در درون و بیرون ایالات متحده امریکا؛ مجاب و متقاعد نکرده است و با شناختی که از خود جو بایدن منحصیث شخصیت دارای طولانی ترین پیشینه کاری و تجربی

در سیاست داخلی و خارجی و دولتداری امریکا در دست است؛ قریب ناممکن می نماید باور کنیم که حتی خود وی به مفردات سخنانش اعتقاد و اعتماد داشته باشد!

چرا که اینجا جو بایدن نگارش و مقاله و شب نوشت و روز نوشت شخصی خودش را به خوانش نگرفته بلکه یک متن سیاسی؛ دولتی و دیپلماتیک ... را ارائه کرده است که به دنبال مباحثات با «تیم امنیتی اش» روی بررسی روند خروج نظامی از افغانستان تدوین گردیده و او موظف به ارائه آن به افکار عامه امریکاییان و جهانیان گردیده است. طنز سیاست در آن است که با وصف این؛ و سایر عقبه های قهری و جبری؛ باز «الا و بلا به گردن مَلاست» و مسنول متن به خوانش گرفته شده تنها و فقط جو بایدن میباشد که رئیس جمهور است و قوماندان اعلی قوای مسلح ابر دولت ایالات متحده!

پس پیتر برگن، تحلیلگر امنیت ملی سی ان ان و هر ناظر و ناقد و مبصر دیگری؛ در جهان هم حق دارد و هم ناگزیر است؛ تنها و فقط یخن جو بایدن را بچسپد.

ولی حقیقت زمخت این است که بسا بیانات جو بایدن و دولتمداران همانند او در موارد بخصوص چنین حساس و پیچیده و خطیر؛ بیشتر مصداق این ضرب المثل در دیپلوماسی میباشد که:

«خداوند زبان را به خاطری داده که با آن بتوانی مکنونات را پنهان بداری!»

به نظر میرسد در دنیای کنونی این شعور قوت دم افزون می گیرد که چنین طیف مسایل مطروحه در سخنرانی جو بایدن و همانند های آن؛ نه اینکه بدون لایه های تو در تو؛ درک و دریافت نگردد بلکه دقیقاً دارای کمتر یا بیشتر از 90 فیصد اسرار «طبقه بندی شده» فهم شود.

به ظاهر آشکار است که طرح خروج کامل نظامیان امریکایی از افغانستان یکی از شعار های جذاب و کارساز انتخاباتی دونالد ترامپ رئیس جمهور قبلی امریکا بود. ترامپ در اواخر وقت دوره ریاست

جمهوری اش با عجله قریباً هستریک؛ یاد انجام این وعده مهم و بارز انتخاباتی افتاد و به شدت تلاش کرد "بینی خمیری و بهانه خر رنگ کن"ی برای "خروج" دست و پا کند؛ وانگهی به گونه قطعاً نامتعارف و غیر منتظره و ذلت بار؛ موضوع قرار داد صلح ابر دولت امریکا و یک گروه چریکی افغانستانی؛ میدانی و اجرایی گردید و با سروصدای بسیار؛ خروج تعدادی از قوا نیز به عمل درآمد.

گفتیم به ظاهر!

ولی آنسوی "ظاهر" جریانات از همان آغاز آنقدر ها "ترامپی" نبود. اصلاً موضوعات مهم و ستراتیژیک و فوق ستراتیژیک تقریباً در هیچ دولت و کشور مدرن دنیای کنونی نمیتواند محضاً منبعث از علایق و سلیق رئیس جمهور ها و رهبران منفرد باشد. خاصه در امریکا که نه تنها اختیارات و عرصه های مانور رئیس جمهور خیلی خیلی محدود است؛ بلکه آنسوی مقامات انتخابی دولت علنی؛ دولت به مراتب مقتدر «پنهان» یا «عمیق» وجود دارد که انتخاب و تغییر و تبدیل متعارف نمی پذیرد.

مسایلی در حد لشکر کشی ها و بر عکس؛ اصلاً و اساساً درین قرارگاه های اقتدار واقعی؛ طرح و حل و اتخاذ میگردد. وانگهی برای تمثیل و اجرایی سازی آنها؛ کاندیدا ها گزینش و به تیاتر هایی چون انتخابات گسیل میگردد.

لذا شعار و کارنامه دونالد ترامپ در واقع صرفاً مال خودش نبود و نمیتوانست باشد؛ چنانکه به هر علت و انگیزه و محاسبه که بود؛ مراکز اقتدار تصمیم گرفتند تا مانع پیروزی وی در انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری شوند؛ و علی الرغم حصول 72 میلیون رأی نگذاشتند در کاخ سفید بماند و گویا با آرای بلند تری جناب جو بایدن را به پیروزی رسانیدند.

صورت حال؛ چنانکه در مورد دونالد ترامپ بود؛ در مورد جو بایدن نیز کماکان همان است. ممکن در این تا آن؛ علاقمندی و توانایی به ماموریت بیشتر یا کمتر باشد ولی مختار و مطلق العنان بودن به ویژه در روزگار جاری؛ امکان ندارد.

به روال سیال‌داری های زمانه؛ جناب بایدن وانمود ساختند که گویا بر اجراءات دوره دونالد ترامپ درین عرصه؛ بازنگری میکنند؛ ولی چنانکه دیدیم حاصل این «بازنگری!» حتی حذف شروط حد اقلی متقابل شد؛ بدون اما و اگر و حساب کتابی «خروج» تا 11 سپتامبر اعلان گردید. تمامی ملاحظات جهانی و حتی نزدیکترین متحدان به هیچ گرفته شد!

بایدن حتی نتوانست نماینده ای از خود در پروژه یا پروسه بگمارد؛ همان نماینده ترامپ و همان ره و رسم ترامپ؟! (در واقع دولت پنهان یا دبیت ستیت!)

اینکه دولت سایه یا دولت پنهان و مرکز اقتدار؛ چرا به چنین تصمیمی رسید و آنرا با شتابزدگی عجیب توسط ترامپ و بایدن به اینجا رسانید؛ شاید 20 – 30 سال بعد به طور کامل و متقن معلوم شود. اما به وضوح احساس شد که محاسبات ستراتیژیک به کلی وارونه گردید. شاید راه ها و وسایل حصول «منافع»؛ بهتر و ارزانتر و یا مبرمتر کشف شد و شاید هم تهدیدات عظیم سر بلند کرد.

منجمله شاید تهدیدات اتمی!؟

آیا از جانب پاکستان!؟

احتمالش کم است. پاکستان هنوز همان است که جرج دبلیو بوش؛ تهدیدش کرده بود اگر در اشغال افغانستان همسو نشود؛ چنانش خواهد کوبید که به عصر حجر برگردد!....

تهدید اتمی از روسیه یا چین؟

در لایه های طبقه بندی شده دنیا؛ امکاناتی شاید وجود داشته باشد که روز را به شب و بالعکس تبدیل نماید. افتادن سلاح ستراتیژیک به ویژه از پاکستان به چنگ تروریستانی هم احتمال دارد؛ هرچند خیلی بعید.

به هر حال سراسیمگی «خروج» سخت شگفت انگیز بود. قرار داد های عظیم ده – بیست ساله توسعه و تجهیز فوق تصور پایگاه ها منجمه در بگرام همه یکباره کن لم یکن گردید و طرز ترک «چراغ خاموش» پایگاه ماورا ستراتیژیک بغل کابل؛ شک های باقیمانده را در موارد ناگفتنی؛ نیز از بین برد.

البته آنچه در سراسر این پروسه بر دولت رسمی و برحال افغانستان رفت و اخیراً اهانت و تذیلی که بر سران این دولت حین سفر رسمی به واشنگتن روا داشته شد؛ به نحوی مظهر خشم متراکم شده ارباب اقتدار واشنگتن بر بی لیاقتی ها و فساد و هرزگی های مختلف اینان نیز بوده میتواند که در رقم خوردن چنین عاقبتی بر ارتش و سیاست امریکا و متحدانش مسلماً مؤثر بوده است. اما بیشتر شاید نمایانگر بیحوصله گی و حتی بیچارگی غولی باشد که در گرفتاری ناگهانی و علاج ناپذیر گیر افتاده و تا نهایت در غم خودش هست.

در پایان شایان تصریح است که همه اینها حدس و گمان و در بهترین حالت؛ احتمالات در حد ریاضی احتمالات است ولی طرح آنها را در مقدمه نوشتار انتخابی برای تنبیه فکر و خیال عزیزان؛ بهتر پنداشتم. اینک شما و تحلیل نیرومند و جذاب سی ان ان که حیف است نخوانده و نشنیده بماند:

**بدترین سخنرانی ریاست جمهوری بایدن**

هشت صبح ۲۰ سرطان ۱۴۰۰



منبع: سی‌ان‌ان

نویسنده: پیتر برگن، تحلیل‌گر امنیت ملی سی‌ان‌ان

مترجم: سیدجمال اخگر

---

رییس جمهور بایدن روز پنج‌شنبه در دفاع از تصمیم نامعقول و عجولانه عقب‌نشینی خود از افغانستان، در اظهاراتی که پر از دروغ، ادعاهای غلط و استدلال ضعیف بود، صحبت کرد.

نخست، بایدن ادعا کرد که به توافق‌نامه دولت ترامپ که در سال ۲۰۲۰ با طالبان به امضا رسیده بود، متعهد است تا نیروهای امریکایی را در ماه می ۲۰۲۱ از افغانستان بیرون کند. با توجه به این‌که توافق‌نامه مربوط دولت قبلی است، پس از نظر قانونی لازم‌الاجرا نیست. همچنین خروج نیروها به قطع رابطه طالبان با القاعده مشروط شده بود که نظر به گزارش ماه گذشته سازمان ملل، این گروه هنوز هم با القاعده روابط خود را قطع نکرده است. در توافق‌نامه پیش‌بینی شده بود که طالبان با دولت افغانستان وارد گفت‌وگوهای واقعی شوند؛ اما به گفته عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی افغانستان، این گروه تاکنون برای گفت‌وگوی واقعی حاضر نشده است. آقای عبدالله هفته گذشته به سی‌ان‌ان گفت که «در این مذاکرات» پیش‌رفت بسیار اندکی صورت گرفته است.

از برنامه جامع اقدام مشترک توافق هسته‌ای ایران (برجام) باید آموخت. دولت اوباما در سال ۲۰۱۵ معامله‌ای را با کشور ایران مبنی بر کاهش غنی‌سازی اورانیوم انجام داد که ایرانیان به این توافق‌نامه متعهد ماندند. طبق گزارش بازرسان بین‌المللی و جامعه اطلاعاتی ایالات متحده، آن‌ها سوخت هسته‌ای را غنی‌سازی نمی‌کردند. این معامله با همکاری سه کشور متحد امریکا (انگلیس، فرانسه و آلمان) انجام شد. با این حال، دولت ترمپ از توافق هسته‌ای ایران خارج شد. این در حالی است که بایدن اکنون توافق‌نامه‌ای را با یک گروه تروریستی که پای‌بند مفاد آن نیست، احترام می‌گذارد.

دوم، بایدن در سخنرانی خود ادعا کرد که زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا برای صلح افغانستان، با قوت تلاش می‌کند تا راه حلی را برای مذاکره بین طالبان و دولت افغانستان پیدا کند. این یک تصور خیالی است؛ زیرا او همان کسی است که در دوره دولت ترمپ رهبری مذاکرات صلح با طالبان را برعهده داشت و قسمت عمده‌ای از افغانستان را براساس یک فرضیه مسخره (طالبان روابط خود با القاعده را قطع کنند و همچنین وارد مذاکرات صلح واقعی با دولت افغانستان شوند)، به این گروه واگذار کرد.

به هر صورت، رهبران افغانستان، خلیل‌زاد را متهم کردند که آن‌ها را از مذاکرات با طالبان دور نگه داشته است. اتهامی که مقامات دولت ترمپ همواره آن را رد کرده است. روند صلح به رهبری خلیل‌زاد طی سه سال گذشته کارگر واقع نشد. اکنون چه معجزه‌ای اتفاق افتاده که ناگهان این روند موثر واقع شده است و موفقانه به پیش می‌رود؟

سوم، بایدن گفت که ایالات متحده نمی‌تواند برای همیشه در افغانستان بماند، ولی سه چهارم قرن است که ۲۸۰۰۰ سرباز امریکایی در کوریای جنوبی پس از جنگ کوریای حضور دارند؛ زیرا ایالات متحده یک منافع استراتژیک در دفاع از کشور علیه استبداد هسته‌ای کوریای شمالی کیم جونگ اون دارد. بنابراین، ایالات متحده می‌توانست ۲۵۰۰ سرباز خود را که کمتر از ۱۰ درصد پرسونل خدمات امریکایی در کوریای

جنوبی‌اند، در افغانستان حفظ کند، تا دولت آن کشور قادر می‌شود با طالبان و متحدان جهادی آن‌ها مانند القاعده، مبارزه کند.

چهارم، بایدن به طور حیرت‌آوری اشاره داشت که اگر ایالات متحده در افغانستان حضور نظامی داشته باشد، به نوعی قدرت کافی برای «رقابت استراتژیک با چین و سایر کشورها» نخواهد داشت. ارتش امریکا از ۱,۳ میلیون پرسونل فعال تشکیل شده است و هنوز نمی‌تواند ۲۵۰۰ سرباز را در افغانستان مستقر کند؟ با استفاده از تکیه کلام بایدن باید گفت: چه می‌گویی مرد؟

بایدن پس از سخنرانی خود به خبرنگاران گفت که «بسیار بعید» است که طالبان افغانستان را تصرف کنند؛ چیزی که جامعه اطلاعاتی وی، خلاف آن را هشدار می‌دهد.

همچنین بایدن گفت که افغانستان هرگز یک کشور یک‌پارچه نبوده است، این دعای وی عجیب و غریب است؛ در حالی که افغانستان از سال ۱۷۴۷ به بعد متحد و یک‌پارچه بوده است و آن را از ایالات متحده قدیمی‌تر می‌کند.

رییس جمهور در پاسخ به سوالی مبنی بر این‌که آیا وی شباهت‌هایی را بین عقب‌نشینی از افغانستان و ویتنام در سال ۱۹۷۵ می‌بیند، اظهار داشت: «نه، هیچ شباهتی ندارد.» وی در ادامه گفت: «هیچ‌گاه شما شاهد وضعیتی که مردم از پشت بام سفارت ایالات متحده در افغانستان به هلی‌کوپترها بالا شوند، نخواهید بود.» اما یک مقام ارشد آگاه امور دفاعی به سی‌ان‌ان گفت که تخلیه فوری دقیقاً یکی از موارد احتمالی است، برنامه‌ریزان ارتش امریکا برای آن آماده می‌شوند. با استفاده از تکیه کلام بایدن باید گفت که همه سخنرانی او، چیزی جز چرندیات نبود.



پیتر برگن، تحلیل‌گر امنیت ملی شبکه خبری سی‌ان‌ان، معاون رییس در نهاد امریکایی جدید و استاد دانشگاه ایالت آریزونا است. او نویسنده کتاب «ظهور و سقوط اسامه بن لادن» است. دیدگاه‌های مطرح‌شده، مربوط خود او می‌شود.